



محمدرضا تبریزی شیرازی
نویسنده و مورخ تاریخ سیاسی معاصر

"نقش علوم انسانی در توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور"

به لحاظ محدودیت صفحات مجله، مقاله در دو شماره، تقدیم خوانندگان می‌شود.

دعوی چه کنی حکم‌گزاران همه رفتند
شو رخت سفر بند که یاران همه رفتند
این گرد شتابنده که بر دامن صحراست
گوید چه نشینی که سواران همه رفتند

"ملک الشعراى بهار"

علوم انسانی به مجموعه‌ی دانش‌هایی اطلاق می‌شود که درباره‌ی "انسان و مسایل مربوط به انسان" بحث و گفتگو می‌کند. این دانش‌ها، چون تعلیم و تربیت، الهیات، ادبیات، تاریخ، فلسفه، روانشناسی، مردم‌شناسی، حقوق، علوم سیاسی، باستان‌شناسی، زبان و زبان‌شناسی، هنرهای زیبا، اقتصاد و بازرگانی و... نقش عمده‌ای در خودآگاهی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی "انسان" ایفا نموده و موجبات رقاء روحی و معنوی، تهذیب نفس، تحلق به صفات عالیه انسانی و مکارم اخلاقی، در فرد، خانواده و اجتماع را متحقق ساخته و در نتیجه بستر یک جامعه‌ی سالم را فراهم می‌نماید.

ایران اسلامی، مهد پرورش مشاهیر و دانشمندانی است که این علوم را پایه‌گذاری نموده و همین امر، سبب شده است که فرهنگ‌شناسان برجسته‌ی معاصر چون آرنولد توین بی و "پیتریم الکساندروویچ سورکین" از سر تحقیق و تفکر علمی، معتقد شوند که از بیست و یک تمدنی که از آغاز خلقت بشری، در جهان پدید آمده، عظیم‌ترین و درخشان‌ترین آنها، تمدن و فرهنگ ایران اسلامی است. تاثیر علوم انسانی و بازتاب آن در جهان، یکی از افتخارات ایران زمین است.

عوامل و انگیزه‌هایی که کشور کهنسال ما را، در گستره‌ی تمدن جهانی و فعل و انفعالات، جذب

و انجذاب‌ها و نقل و انتقالات فرهنگی، در سراسر گیتی، مشترک ساخته، موقعیتی اقلیمی و جغرافیایی سرزمین ماست که از لحاظ وضعیت "ژئوپلیتیک" یا جغرافیای سیاسی، دارای موقعیتی است که گلوگاه ارتباطی، میان شرق و غرب بوده و کلیه مهاجرت‌ها، تهاجم‌ها و در عین حال، داد و ستدهای فرهنگی، در دنیای کهن، در میهن ما تاثیر گذار بوده است.

در فلات بیکران ایران، با آب و هوای متنوع و گوناگون، نژادی هوشمند، شکیبا، خوش قریحه و هنرمند، بنام نژاد آریایی- ایرانی، رحل اقامت افکنده بود. این نژاد، نه فقط، تحت تاثیر فکر و اندیشه مهاجرانی که از این سرزمین عبور می‌کردند، قرار نگرفت، بلکه کوشید هنر و ذوق و تمدن و فرهنگ و اندیشه‌ی بارور خود را، به رهگذرانی که از این فلات گذر می‌کردند، القا کند و

این رهگذران، تجلی ذوق و هنر و فرهنگ و تمدن ایرانی را، در سرزمین و در میان مردم خود، ترویج و اشاعه دهند. از همان روزگاران کهن، با توجه به عوامل ذکر شده، عامه‌ی مردم ایران، به منظور معیشت و گذران زندگی خویش، در ابداع و ساخت صنایع دستی، پیشرو بودند و از تمام مواد اولیه که در ایران وجود داشت، استفاده می‌کردند و به آفرینش اشیای هنری می‌پرداختند. این صنایع دستی، در بعضی مواقع، شاهکارهای هنری بود و این شاهکارها را، رهگذرانی که با قافله‌های تجاری، از ایران عبور می‌کردند، می‌خریدند و به سرزمین‌های اطراف می‌بردند و آثار ذوق و هنر ایرانی را در معرض دید مردم قرار می‌دادند و زبان و ادب و فرهنگ ایران را در آن نواحی و سرزمین‌های دیگر، منتشر می‌ساختند. در نتیجه این کانون‌های هنر و فرهنگ ایرانی از قلب آسیا



تا کرانه‌های مدیترانه از یک سوی و از جنوب دشت‌های سرد شمال تا سواحل آب‌های گرم جنوب، از سوی دیگر، گسترش می‌یافت.

مراد من از ذکر این مطالبه روشن ساختن، تمدن و فرهنگ ایرانی، از آغاز تاسیس و تشکیل سرزمین آریایی ایران است تا نسل جوان کشور، آگاهی یابد که ایران و ایرانی، همواره پرچمدار تمدن و فرهنگ در جهان بوده و بسیاری از علوم، به ویژه علوم انسانی، در ایران زمین، به وسیله دانشمندان ایرانی، نشر و گسترش یافته است.

قدمت استقرار و سکنی‌گزینی نیاکان ما، در فلات ایران بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سال، قبل از میلاد صورت گرفته است. قبل از این تاریخ هم به تحقیق اقوام دیگری به این فلات آمده، زندگی کرده و سپس به سرزمین‌های دیگری کوچ نموده‌اند که البته نمی‌دانیم این اقوام، قبایل و طوایف از کجا به سرزمین ما آمده و به کجا رفته‌اند.

با این مقدمه، اگر از تمدن و فرهنگ ایران زمین، در ایران قبل از اسلام، که در امپراطوری‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی، به وجود آمد و این تمدن و فرهنگ در اقصی نقاط دنیای آن روز تاثیر گذاشت، بگذریم و در پیرامون علوم انسانی، از دوران اسلامی، بحث خود را آغاز کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که گرچه ایرانیان، به ظاهر، قومی مغلوب و شکست‌خورده از اعراب بودند، ولی در دو قرن که ایران، تحت سیطره و نفوذ سیاسی اعراب بود، ایرانیان، برتری نژادی و قدرت معنوی و فرهنگی خود را بر اعراب تحمیل نمودند و همین امر سبب شده که به وسیله دانشمندان، نویسندگان، شاعران، و هنرمندان ایرانی، تمدن و فرهنگ عظیم و درخشان اسلامی بنیان نهاده شود.

اولین تاثیرگذاری ایرانیان در زبان عربی، وارد ساختن بسیاری واژه‌های فارسی بود، در زبان عربی، اگر پژوهشگری بخواهد واژه‌های فارسی را که به زبان عربی درآمیخته و عجین شده است، مورد بررسی و تحقیق قرار دهد، به این نتیجه می‌رسد که بیشتر این واژه‌ها، به منظور روشن ساختن مفاهیم فرهنگی و مدنی بوده است.

این واژه‌ها را باید در لغت فرس اسدی، برهان قاطع، الفهرست ابن ندیم و فصل هشتم کتاب ایران در زمان ساسانیان، تألیف آرتور کریستن سن، ایران‌شناس دانمارکی و نیز کتاب ارزشمند "فرهنگ واژه‌های فارسی در عربی" گردآوری مرحوم سیدمحمد علی امام شوشتری، چاپ سلسله انتشارات انجمن آثار ملی در سال ۱۳۴۷ ملاحظه کرد.

اما نکته‌ای که باید فوراً بیفزاییم، این است که حتی

دستور زبان عربی، به وسیله‌ی نحوی بزرگ ایرانی "سیبویه شیرازی" نوشته شده و این می‌نماید که دانشمندان ایرانی، تا چه مایه در گسترش علوم انسانی، نقش درجه اول را در روزگاران پیشین ایفا می‌نموده‌اند.

در زمینه الهیات و علوم اسلامی، باید از مورخ، ادیب و فقیه بزرگ ایرانی، "محمد بن جریر طبری" یاد کنیم که تفسیر جامع‌اللبیان فی تفسیر القرآن" او از بزرگترین و ارزشمندترین تفسیرهایی است که در این علم، در قرن سوم هجری نوشته شده است. این تفسیر خیلی زود، در عالم اسلام، معروف و مشهور گردید و در زمان ساسانیان به زبان فارسی ترجمه شد که از آن ترجمه اکنون، نسخه‌هایی در موزه‌های دنیا موجود است.

در نقد و بررسی احادیث و صحت و سقم آنها، سه نقاد بزرگ ایرانی "امام محمد بن اسماعیل بخاری"، "ابوالحسن مسلم بن الحجاج نیشابوری"، "ابن ماجه" و "ابوعبدالله محمد بن یزید القزوینی" به ترتیب کتاب‌های نفیس خود را به نام‌های "الجامع الصحیح"، "صحیح" و "سنن" به فرهنگ بشری، ارایه دادند.

در میان علمای علم فقه باید از "ابوحنیفه نعمان بن ثابت" و "احمد بن محمد حنبل" که هر دو اصالتاً ایرانی که اولی رساله‌ای در "اصول فقه" و رساله‌ی دیگری به نام "کتاب الامام" تألیف کرد ولی امام محمد حنبل کتاب یا رساله‌ای در علم فقه تصنیف نکرد.

از فقه‌های دیگر ایرانی که در سه قرن اول هجری، آثاری در علم فقه از خود به یادگار گذاشته‌اند، یکی ابو سلیمان داود بن علی بن داود اصفهانی است و دیگری ابوجعفر محمد بن جریر طبری است که کتاب اختلاف الفقهاء" را به رشته‌ی تحریر درآورد.

در علم کلام، فلاسفه و متکلمان بزرگی، در ایران، ظهور نمودند که محمد بن عبدالکریم شهرستانی نام آنها را در کتاب گرانسنگ خویش، "الملل والنحل" ذکر نموده است. این بزرگان فلسفه و کلام، متافیزیک یا مابعدالطبیعه را بر دو اصل اساسی استوار ساخته‌اند:

۱- علم الهی، در معرفت واجب‌الوجود و عقول و نفوس

۲- فلسفه‌ی اولی، در معرفت امور کلی احوال موجودات مانند وحدت و کثرت، وجوب و امکان، حدوث و قدیم و مانند آنها. از فروع این علم، شناخت و معرفت در سه موضوع نبوت، امامت و معاد است.

حکمت علمی، که مراد از آن رسیدن انسان به مراتب و مدارج تکامل انسانی است و علم تهذیب نفس یا مکارم اخلاقی، علم تدبیر منزل و علم سیاست مدن

که از حکمت عملی نشات می‌گیرد.

از مترجمان بزرگ ایرانی، که از همان آغاز قرن دوم هجری، حتی مقارن حمله‌ی اعراب به ایران، نه فقط دست از کارهای علمی نکشیدند، بلکه در جهت گسترش دانش‌های گوناگون و علوم انسانی کوشیدند. در این زمینه باید از جورجیس بن بختیشوع گندیسابوری، ابوبکر زکریا یوحنا بن ماسویه، ربن طبری، ابراهیم بن حبیب الفزاری و فرزندش محمد فزاری، موسی بن خالد، معروف به الترجمان، عیسی بن چهارپخت، یوسف بن ناقل و علی بن زیاد تمیمی را باید نام برد.

تلاش‌ها و کوشش‌های علمی این مترجمان، انقلاب و تحولی عظیم در علوم انسانی ایجاد کرد و سبب شد دانشمندان بزرگی در قرن‌های دوم و سوم، ظهور نمودند که از جمله می‌توان از نویخته ابوعبدالله محمد بن موسی الخوارزمی که محافل علمی و فرهنگی غرب به مناسبت عظمت علمی، او را (الخوارزمی) نامیده‌اند، ابوالعباس فضل بن حاتم نیریزی، محمد بن کثیر فرغانی، بنی موسی بن شاکر خراسانی، احمد بن طیب سرخسی و ابوزید احمد بن سهل بلخی را نام برد.

از حکمای برجسته‌ی ایران در این دو قرن و قرن‌های چهارم و اوایل قرن پنجم هجری، باید از مشاهیر و ناموران و دانشمندان، چون محمد بن زکریای رازی، ابونصر فارابی معروف به معلم ثانی، ابوالحسن شهید بن حسین بلخی، ابوزکریا یحیی بن عدی المنطقی، ابوسلیمان منطقی، ابوحنیان توحیدی، ابن مسکویه، ابوالفرج طیب، ابوالفرج بن هندو، ابوالحسن بهمنیار، ابن زیله‌ی اصفهانی، ابوعبدالله معصومی و نویسندگان رسایل اخوان الصفا که نامشان در پرده‌ی اسرار مانده است، اشاره کرد.

از نویسندگان تاریخ و جغرافیا، باید بزرگانی را چون ابن خردادبه، ابوزید بلخی، مسعودی، ابن حوقل، اصطخری، مقدسی، جیهانی و ابوریحان بیرونی نابغه‌ی بزرگ ایرانی را به نسل جوان کشور شناساند.

در علوم ادبی، نویسندگانی چون ابن درید ابوسعید سیرابی، ابوعلی فارسی، صاحب‌بن عبّاد، ابن فارس رازی، ابو منصور ازهری، جوهر فارابی، ابوعمر و زوزنی، علی بن عبدالعزیز جرجانی، عبدالقاهر جرجانی، از نویسندگان این دوره‌اند.

پایان بخش اول

۱- Arnold. Toynbee مورخ و تمدن‌شناس بزرگ انگلیسی
۲- P. A. Sorokin تمدن‌شناس و فرهنگ‌شناس فقید روسی و رییس اسبق گروه جامعه‌شناسی دانشگاه هاروارد.